

بیت کالی



گلبرگ



# احکام

متوسطه دوره اول (هفتم - هشتم و نهم) ویژه پسران

مرحله ی آموزشگاه

تهیه و تنظیم: اداره قرآن، عترت و نماز استان یزد

سال تحصیلی ۹۵-۹۶



## تقلید:

تقلید در احکام یعنی عمل کردن به دستور مجتهد (مرجع تقلید)

مرجع تقلید کسی است که با استفاده از قرآن کریم، سخنان پیشوایان معصوم (حدیث) و عقل، احکام زندگی را به دست می آورد، و چون ما در این زمینه تخصص و مهارت کافی نداریم، از او تقلید می نماییم. انسان وقتی به سن تکلف (بلوغ) می رسد، واجب است که در تمام احکام دینی به یکی از مراجع بزرگوار، تقلید مراجعه نماید و براساس مطالبی که در رساله ی او نوشته شده عمل کند.

### مهم ترین ویژگی های مرجع تقلید:

- ۱- مرد باشد
- ۲- بالغ باشد
- ۳- اعلی باشد؛ یعنی به درجه ای از دانش رسیده باشد که بتواند احکام الهی را از منابع دینی به دست آورد.
- ۴- عادل باشد؛ یعنی اهل گناه نباشد؛ گناه بزرگ انجام ندهد و از تکرار گناهان کوچک نیز بپرهیزد.
- ۵- زنده باشد؛ بنابراین نمی توان به مجتهدی که از دنیا رفته مراجعه کرد.
- ۶- شیعه باشد و به امامت دوازده امام معصوم (علیه السلام) اعتقاد داشته باشد.

## مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت:

اول: این که خود انسان اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

دوم: این که دو نفر عادل از اهل علم به او خبر دهند، به شرط این که دو نفر عالم دیگر برخلاف گفته آنها شهادت ندهند.

سوم: این که آنچنان در میان اهل علم (جمعی از علما) و محافل علمی مشهور باشد که انسان یقین پیدا کند او اعلم است.

- هرگاه شناختن «اعلم» بطور قطع ممکن نشود، احتیاط آن است از کسی تقلید کند، که گمان به اعلم بودن او دارد و در صورت شک میان چند مجتهد و عدم ترجیح آنها از هر کدام بنخواهد می تواند تقلید کند.

## برای آگاهی از فتوای مجتهد چند راه وجود دارد:

اول، شنیدن از خود مجتهد

دوم، دیدن در رساله ای که مورد اطمینان باشد؛

سوم، شنیدن از کسی که مورد اعتماد است؛

چهارم، مشهور بودن در میان مردم بطوری که سبب اطمینان شود.

ما باید از راههای صحیح که در رساله ها ذکر شده است مرجع تقلید خود را انتخاب کرده و در تمام مسائل

دینی، به او و یا رساله توضیح المسائل همان مرجع، مراجعه کنیم.

## \* احکام آبها \*

### ۱- آب مطلق و مضاف

- آب یا مطلق است یا مضاف: آب مضاف آبی است که آن را از چیزی بگیرند، مثل آب هندوانه و گلاب، یا با چیزی مخلوط باشد، مثل آبی که به قدری با گل و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن آب نگویند. و غیر اینها آب مطلق است و آن بر پنج قسم است: اول: آب کر. دوم: آب قلیل. سوم: آب جاری. چهارم: آب باران. پنجم: آب چاه.

- آب کر مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک سه و جب و نیم است بریزند آن ظرف را پر کند، و به حسب کیلوی متعارف بنابر اقرب ۴۱۹ / ۳۷۷ کیلوگرم می شود.

- اگر عین نجس مانند بول و خون به آب کر برسد، چنانچه به واسطه آن بویا رنگ و یا مزه آب تغییر کند آب نجس می شود و اگر تغییر نکند، نجس نمی شود.

- اگر بوی آب کر به واسطه غیر نجاست تغییر کند، نجس نمی شود.

- اگر عین نجس مانند خون به آبی که بیشتر از کر است برسد و بو یا رنگ یا مزه قسمتی از آن را تغییر دهد، چنانچه مقداری که تغییر نکرده کمتر از کر باشد، تمام آب نجس می شود. و اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد، فقط مقداری که بو یا مزه یا رنگ آن تغییر کرده نجس است.

- آب فواره اگر متصل به کر باشد آب نجس را پاک می کند در صورتی که مخلوط با آن شود. ولی اگر قطره قطره روی آن آب نجس بریزد آن را پاک نمی کند، مگر آنکه چیزی روی فواره بگیرند تا آب آن قبل از قطره قطره شدن، به آب نجس متصل شود و با آن مخلوط گردد.

- اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشویند آبی که از آن چیز می ریزد اگر متصل به کر

باشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است.

- اگر مقداری از آب کر یخ ببندد و باقی آن بقدر کر نباشد چنانچه نجاست به آن برسد نجس می شود، و هر قدر از یخ هم آب شود نجس است.

- آبی که به اندازه کر بوده، اگر انسان شک کند از کر کمتر شده یا نه مثل آب کر است، یعنی نجاست را پاک می کند و اگر نجاستی هم به آن برسد نجس نمی شود. و آبی که کمتر از کر بوده و انسان شک دارد به مقدار کر شده یا نه حکم آب کر ندارد.

- کر بودن آب به دو راه ثابت می شود: اول: آن که خود انسان یقین کند. دوم: آن که دو مرد عادل خبر دهند.

## ۲- آب قلیل

- آب قلیل آبی است که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد.

- اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد یا چیز نجس به آن برسد نجس می شود، ولی اگر از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد مقداری که به آن چیز می رسد نجس، و هر چه بالاتر از آن است پاک می باشد، و نیز اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا رود در صورتی که نجاست به بالا برسد پایین نجس نمی شود و اگر نجاست به پایین برسد بالا نجس می شود.

- آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شود و از آن جدا گردد، نجس است، و همچنین بنا بر اقوی باید از آب قلیلی هم که بعد از برطرف شدن عین نجاست، برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می ریزند و از آن جدا می شود، اجتناب کنند. ولی آبی که با آن مخرج بول و غائط را می شویند با پنج شرط پاک است: اول: آن که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد. دوم: نجاستی از خارج به آن نرسیده

باشد. سوم: نجاست دیگری مثل خون، یا بول یا غائط بیرون نیامده باشد. چهارم: ذره‌های غائط در آب پیدا نباشد. پنجم: بیشتر از مقدار معمول، نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد.

### ۳- آب جاری

- آب جاری آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد مانند آب چشمه و قنات.

- آب جاری اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن بواسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

- اگر نجاستی به آب جاری برسد مقداری از آن که بو یا رنگ یا مزه‌اش بواسطه نجاست تغییر کرده نجس

است و طرفی که متصل به چشمه است اگر چه کمتر از کر باشد پاک است. و آبهای دیگر نهر اگر به

اندازه کر باشد یا بواسطه آبی که تغییر نکرده به آب طرف چشمه متصل باشد، پاک و گر نه نجس است.

- آب چشمه‌ای که جاری نیست ولی طوری است که اگر از آن بردارند باز می‌جوشد حکم آب جاری دارد.

یعنی اگر نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن بواسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

- آبی که کنار نهر ایستاده و متصل به آب جاری است حکم آب جاری دارد.

- چشمه‌ای که مثلا در زمستان می‌جوشد و در تابستان از جوشش می‌افتد فقط وقتی که می‌جوشد حکم آب

جاری دارد.

- آب حوض حمام اگر چه کمتر از کر باشد چنانچه به خزینه‌ای که آب آن به اندازه کر است متصل باشد مثل

آب جاری است.

- آب لوله‌های حمام که از شیرها و دوشها می‌ریزد اگر متصل به کر باشد مثل آب جاری است و آب لوله‌های

عمارات اگر متصل به کر باشد در حکم آب کر است.

- آبی که روی زمین جریان دارد ولی از زمین نمی جوشد، چنانچه کمتر از کر باشد و نجاست به آن برسد نجس می شود اما اگر از بالا با فشار به پایین بریزد، چنانچه نجاست به پایین آن برسد بالای آن نجس نمی شود

## ۴- آب باران

- اگر به چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست یک مرتبه باران ببارد جایی که باران به آن برسد پاک می شود. و در فرش و لباس و مانند اینها فشار لازم نیست ولی باریدن دو سه قطره فایده ندارد، بلکه باید طوری باشد که بگویند باران می آید.

- اگر باران به عین نجس ببارد و به جای دیگر ترشح کند، چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است. پس اگر باران بر خون ببارد و ترشح کند، چنانچه ذره ای خون در آن باشد یا آن که بو یا رنگ یا مزه خون گرفته باشد نجس است.

- اگر بر سقف عمارت یا روی بام آن عین نجاست باشد، تا وقتی باران به بام می بارد آبی که به چیز نجس رسیده و از سقف یا ناودان می ریزد پاک است. و بعد از قطع شدن باران اگر معلوم باشد آبی که می ریزد به چیز نجس رسیده است، نجس می باشد.

- زمین نجسی که باران بر آن ببارد پاک می شود. و اگر باران بر زمین جاری شود و به جای نجسی که زیر سقف است برسد، آن را نیز پاک می کند.

- خاک نجسی که به واسطه باران گل شود و آب آن را فرا گیرد پاک است. اما اگر فقط رطوبت به آن برسد پاک نمی شود.

- هرگاه آب باران در جایی جمع شود اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه موقعی که باران می آید چیز نجسی را در آن بشویند و آب بو یا رنگ یا مزه نجاست نگیرد، آن چیز نجس پاک می شود.

- اگر بر فرش پاکی که روی زمین نجس است باران ببارد، و بر زمین نجس جاری شود، فرش نجس نمی شود و زمین هم پاک می گردد.

## ۵- آب چاه

- آب چاهی که از زمین می جوشد اگر چه کمتر از کر باشد چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است، ولی مستحب است پس از رسیدن بعضی از نجاستها مقداری که در کتابهای مفصل گفته شده از آب آن بکشند.

- اگر نجاستی در چاه بریزد و بو یا رنگ یا مزه آب آن را تغییر دهد، چنانچه تغییر آب چاه از بین برود، موقعی پاک می شود که با آبی که از چاه می جوشد، مخلوط گردد.

- اگر آب باران یا آب دیگر، در گودالی جمع شود و کمتر از کر باشد، چنانچه بعد از قطع شدن باران نجاست به آن برسد، نجس می شود.

- آب مضاف که معنی آن گفته شد، چیز نجس را پاک نمی کند، وضو و غسل هم با آن باطل است.

- اگر ذره ای نجاست به آب مضاف برسد نجس می شود. ولی چنانچه از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد، مقداری که به چیز نجس رسیده نجس، و مقداری که بالاتر از آن است پاک می باشد. مثلا اگر گلاب را از گلابدان روی دست نجس بریزند، آنچه به دست رسیده نجس و آنچه به دست نرسیده پاک است. و نیز اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا برود اگر نجاست به بالا برسد، پایین نجس نمی شود.

- اگر آب مضاف نجس طوری با آب کر یا جاری مخلوط شود که دیگر آب مضاف به آن نگویند، پاک می شود.

- آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یا نه، مثل آب مطلق است، یعنی چیز نجس را پاک می کند،



وضو و غسل هم با آن صحیح است. و آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یا نه مثل آب مضاف است، یعنی چیز نجس را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است.

- آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف، و معلوم نیست که قبلاً مطلق یا مضاف بوده، نجاست را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است. ولی اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد و نجاست به آن برسد حکم به نجس بودن آن نمی‌شود.

- آبی که عین نجاست مثل خون و بول به آن برسد و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر دهد، اگر چه کر یا جاری باشد، نجس می‌شود. ولی اگر بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاستی که بیرون آن است عوض شود، مثلاً مرداری که پهلوی آب است بوی آن را تغییر دهد، نجس نمی‌شود.

- آبی که عین نجاست مثل خون و بول در آن ریخته و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر داده، چنانکه به کر یا جاری متصل شود، یا باران بر آن ببارد، یا باد باران را در آن بریزد، یا آب باران در موقع باریدن از ناودان در آن جاری شود و تغییر آن از بین برود، پاک می‌شود، ولی باید آب باران یا کر یا جاری با آن مخلوط گردد.

- اگر چیز نجس را در آب کر یا جاری فرو برند، و در چیزهایی که قابل فشار دادن است مانند فرش و

لباس، طوری فشار، یا در داخل آب حرکت دهند که آب داخل آن خارج شود، چنانچه از چیزهایی باشد که در دفعه اول پاک می‌شود، آبی که بعد از بیرون آوردن، از آن می‌ریزد، پاک است و اگر از چیزهایی باشد که باید دو مرتبه آن را در آب فرو برند تا پاک شود، آبی که بعد از دفعه دوم از آن می‌ریزد، پاک می‌باشد.

- آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه پاک است. و آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه، نجس است.

## کیفیت وضو گرفتن

- در وضو واجب است صورت و دستها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند.
- درازای صورت را باید از بالای پیشانی - جایی که موی سر بیرون می‌آید - تا آخر چانه شست، و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می‌گیرد، باید شسته شود، و اگر مختصری از این مقدار نشوید، وضو باطل است. و برای آنکه یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده، باید کمی اطراف آن را هم بشوید.
- اگر صورت یا دست کسی کوچکتر یا بزرگتر از معمول مردم باشد، باید ملاحظه کند که مردمان معمولی تا کجای صورت خود را می‌شویند، او هم تا همان جا را بشوید. و اگر دست و صورتش هر دو بر خلاف معمول باشد، ولی با هم متناسب باشند، لازم نیست ملاحظه معمول را بکند، بلکه به دستوری که در مساله پیش گفته شد، وضو بگیرد. و نیز اگر در پیشانی او مو روییده یا جلوی سرش مو ندارد، باید به اندازه معمول پیشانی را بشوید.
- اگر احتمال دهد چرک یا چیز دیگری در ابروها و گوشه‌های چشم و لب او هست که نمی‌گذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، باید پیش از وضو واریسی کند که اگر هست برطرف نماید.
- اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند، و اگر پیدا نباشد، شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر آن لازم نیست.
- اگر شک کند که پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه، بنابر احتیاط واجب باید مو را بشوید و آب را به پوست هم برساند.

- شستن توی بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی‌شود واجب نیست، ولی برای آنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید. و کسی که نمی‌دانسته باید این مقدار را بشوید اگر نداند در وضوهایی که گرفته این مقدار را شسته یا نه، نمازهایی که خوانده صحیح است.

- باید صورت را بنابر احتیاط واجب از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید، وضو باطل است و دستها را باید از مرفق به طرف سر انگشتان بشوید.

- اگر دست را تر کند و به صورت و دستها بکشد، چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست آب کمی در آنها جاری شود، کافی است.

- بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.

- برای آنکه یقین کند آرنج را کاملا شسته، باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.

- کسی که پیش از شستن صورت دستهای خود را تا میچ شسته، در موقع وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر فقط تا میچ را بشوید وضوی او باطل است.

- بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و لازم نیست با دست راست باشد یا از بالا به پایین مسح نماید.

- یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است جای مسح می‌باشد، و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است اگر چه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید.

- لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، ولی کسی که موی

جلوی سر او به اندازه‌ای بلند است که اگر مثلا شانه کند به صورتش می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر

- می‌رسد، باید بیخ موها را مسح کند یا فرق سر را باز کرده، پوست سر را مسح نماید، و اگر موهایی را که به صورت می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر می‌رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید یا بر موی جاهای دیگر سر که جلوی آن آمده مسح کند باطل است.
- بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سریکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند.
- پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است، ولی بهتر، بلکه احوط آن است که با تمام کف دست، روی پا را مسح کند.
- اگر در مسح پا همه دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد صحیح است.
- در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها بکشد، و اگر دست را نگهدارد و سر یا پا را به آن بکشد، وضو باطل است. ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت کند، اشکال ندارد.
- جای مسح باید خشک باشد و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل است، ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می‌شود، بگویند فقط از تری کف دست است، اشکال ندارد.
- اگر برای مسح، رطوبت در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب خارج، تر کند بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید.
- اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه مسح سر باشد، می‌تواند سر را با همان رطوبت مسح کند، و برای مسح پاها از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد.
- مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است، ولی اگر به واسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند اینها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، مسح کردن بر آنها اشکال ندارد. و اگر روی

کفش نجس باشد، باید چیز پاکی بر آن بیندازد و بر آن چیز مسح کند.  
- اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد، باید تیمم نماید.

### **برخی از مواردی که وضو را باطل می‌کند:**

بول\* غائط\* باد معده و روده که از مخرج غائط خارج شود.\* خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود. ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی‌شود.\* چیزهایی که عقل را از بین می‌برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی\* کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت.

### **سن بلوغ:**

رسیدن به سن تکلیف، یکی از نشانه‌های بلوغ و آن پایان پانزده سال قمری است؛ و چون هر سال قمری، ۱۰ روز و ۱۸ ساعت کم‌تر از سال شمسی است، نوجوانی که ۱۴ سال و ۶ ماه و ۱۸ روز داشته باشد، تقریباً به سن تکلیف گام گذاشته است.

یکی دیگر از نشانه‌های بلوغ خروج «منی» از دستگاه تناسلی انسان است. به این حالت احتلام می‌گویند. حالت احتلام در خواب برای آدم پیش می‌آید و زمان اتفاق افتادن آن و همچنین تعداد دفعات آن در آدم‌ها متفاوت است. اگر این حالت برای ما پیش آید، واجب است که برای مثال: خواندن نماز یا دست کشیدن روی خط‌های قرآن و یا رفتن به مسجد، غسل کنیم. (غسل «جنابت»)

## چیزهایی که بر شخص جنب حرام است

- پنج چیز بر شخص جنب حرام است: اول: رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و اسامی مبارکه پیامبران و امامان علیهم السلام، به احتیاط واجب حکم اسم خدا را دارد. دوم: رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود. سوم: توقف شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد. و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقف نکند. چهارم: گذاشتن چیزی در مسجد. پنجم: خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد و آن چهار سوره است: اول: سوره سی و دوم قرآن (الم تنزیل) دوم: سوره چهل و یکم (حم سجده) سوم: سوره پنجاه و سوم (و النجم) چهارم: سوره نود و ششم (اقرا) و اگر یک حرف را به قصد یکی از این چهار سوره هم بخواند حرام است.

## تیمم

### نحوه تیمم کردن

- ابتدا نیت می‌کنیم، به گونه‌ای که اگر کسی از ما بپرسد چه می‌کنید، بگوییم به جای وضو و یا غسل تیمم می‌کنیم.
- سپس کف هر دو دست را هم‌زمان بر چیزی که تیمم صحیح است می‌زنیم.
- کف دو دست را به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر رویده تا بالای بینی و ابروها می‌کشیم (از بالا به پایین).
- پس از آن، کف دست چپ را به تمام پشت دست راست می‌کشیم. از مچ به طرف نوک انگشتان.
- در پایان کف دست راست را به تمام پشت دست چپ می‌کشیم. از مچ به طرف نوک انگشتان.

تذکر ۱: همه ی این مراحل پنج گانه را به ترتیب و پشت سرهم انجام می دهیم و بین آن ها فاصله نمی اندازیم.

نکته ۲: وقتی تیمم کردیم. مثل این است که وضو گرفته ایم، بنابراین:

الف) هرکاری که با وضو می توانستیم انجام دهیم، با تیمم نیز می توانیم انجام دهیم.

ب) هر چیزی که وضو را باطل می کند، تیمم را نیز باطل می کند.

نکته ی ۳: یادمان باشد که هر وقت عذر ما برطرف شد و توانستیم وضو بگیریم و یا غسل کنیم، دیگر تیمم

باطل می شود و حق استفاده از آن را نداریم

## موارد تیمم

### در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد:

**اول از موارد تیمم:** آنکه تهیه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد.

- اگر انسان در آبادی باشد، باید برای تهیه آب وضو و غسل بقدری جستجو کند که از پیدا شدن آن ناامید شود. و اگر در بیابان باشد، چنانچه زمین آن پست و بلند است و یا به واسطه درخت و مانند آن، عبور در آن زمین مشکل است، باید در هر یک از چهار طرف به اندازه پرتاب یک تیر قدیمی که با کمان پرتاب می‌کردند در جستجوی آب برود. و اگر زمین آن این طور نیست، باید در هر طرف به اندازه پرتاب دو تیر جستجو نماید.

- اگر بعضی از چهار طرف هموار و بعضی دیگر پست و بلند یا عبور در آن مشکل باشد، در طرفی که هموار است به اندازه پرتاب دو تیر و در طرفی که این طور نیست به اندازه پرتاب یک تیر جستجو کند.

- در هر طرفی که یقین دارد آب نیست، در آن طرف جستجو لازم نیست.

- کسی که وقت نماز او تنگ نیست و برای تهیه آب وقت دارد اگر یقین دارد در محلی دورتر از مقداری که باید جستجو کند آب هست در صورتی که مانعی نباشد و مشقت هم نداشته باشد باید برای تهیه آب برود و اگر گمان دارد آب هست رفتن به آن محل لازم نیست ولی اگر اطمینان داشته باشد بنابر احتیاط واجب باید برای تهیه آب به آن محل برود.

- لازم نیست خود انسان در جستجوی آب برود، بلکه می‌تواند کسی را که به گفته او اطمینان دارد بفرستد. و در این صورت اگر یک نفر از طرف چند نفر برود، کافی است.

- اگر احتمال دهد که داخل بار سفر خود یا در منزل یا در قافله آب هست باید بقدری جستجو نماید که به



نبودن آب یقین کند یا از پیدا کردن آن ناامید شود.

- اگر پیش از وقت نماز جستجو نماید و آب پیدا نکند و تا وقت نماز همان جا بماند، لازم نیست که دوباره در جستجوی آب برود.

- اگر بعد از داخل شدن وقت نماز جستجو کند و آب پیدا نکند و تا وقت نماز دیگر در همانجا بماند، جستجو لازم نیست.

- اگر از درنده بترسد یا جستجوی آب به قدری سخت باشد که نتواند تحمل کند یا وقت نماز به قدری تنگ باشد که هیچ نتواند جستجو کند، جستجو لازم نیست. ولی اگر بتواند مقداری جستجو کند، به همان مقدار جستجو لازم است. و اگر از دزد بر جان یا مال خودش بترسد، نباید در جستجوی آب برود. ولی اگر مالی که احتمال می‌دهد از بین برود، به حسب حال او قابل اعتنا نباشد و ترس دیگری هم نداشته باشد، جستجوی آب واجب است.

- اگر در جستجوی آب نرود تا وقت نماز تنگ شود، معصیت کرده ولی نمازش با تیمم صحیح است.  
- کسی که یقین دارد آب پیدا نمی‌کند، چنانچه دنبال آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که اگر جستجو می‌کرد آب پیدا می‌شد، نمازش باطل است.

- اگر بعد از جستجو آب پیدا نکند و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد در جایی که جستجو کرده آب بوده، نماز او صحیح است.

- اگر بعد از داخل شدن وقت نماز وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند، نمی‌تواند وضو بگیرد، چنانچه بتواند بدون ضرر و مشقت وضوی خود را نگهدارد، نباید آن را باطل نماید. و همچنین است اگر بداند یا دو شاهد عادل خبر دهند که تهیه آب برای او ممکن نیست. بلکه اگر احتمال صحیح عقلایی هم بدهد، احتیاط واجب آن است که وضوی خود را باطل نکند.

- اگر پیش از وقت نماز وضو داشته باشد و بداند یا احتمال عقلایی دهد یا دو شاهد عادل خبر دهند که اگر وضوی خود را باطل کند، تهیه آب برای او ممکن نیست، چنانچه بتواند بدون ضرر و مشقت وضوی خود را نگهدارد، احتیاط واجب آن است که آن را باطل نکند.

کسی که فقط به مقدار وضو یا به مقدار غسل آب دارد، اگر بداند یا دو شاهد عادل خبر دهند که اگر آن را بریزد آب پیدا نمی‌کند، چنانچه وقت نماز داخل شده باشد، ریختن آن حرام است. و احتیاط واجب آن است که پیش از وقت نماز هم آن را نریزد، بلکه خالی از قوت نیست. و هرگاه احتمال عقلایی هم بدهد که اگر آب را بریزد دیگر آب پیدا نمی‌کند، احتیاط واجب آن است که پیش از وقت نماز هم آب را نریزد.

- کسی که می‌داند یا دو شاهد عادل خبر دهد که آب پیدا نمی‌کند، اگر بعد از داخل شدن وقت نماز وضوی خود را باطل کند یا آبی که دارد بریزد، معصیت کرده ولی نمازش با تیمم صحیح است. اگر چه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند.

### **دوم از موارد تیمم**

- اگر به واسطه پیری یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها یا نداشتن وسیله‌ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمم کند. و همچنین است اگر تهیه کردن آب یا استعمال آن به قدری مشقت داشته باشد که مردم تحمل آن را نکنند.

- اگر برای کشیدن آب از چاه دلو و ریسمان و مانند اینها لازم دارد و مجبور است بخرد یا کرایه نماید، اگر چه قیمت آن چند برابر معمول باشد، باید تهیه کند. و همچنین است اگر آب را به چندین برابر قیمتش بفروشند. ولی اگر تهیه آنها به قدری پول می‌خواهد که نسبت به حال او آن مقدار ضرر دارد، واجب نیست تهیه نماید.

- اگر ناچار شود که برای تهیه آب قرض کند، باید قرض نماید. ولی کسی که می‌داند یا گمان دارد که نمی‌تواند قرض خود را بدهد، واجب نیست قرض کند.

- اگر کردن چاه مشقت ندارد، به احتیاط واجب باید برای تهیه آب، چاه بکند.

- اگر کسی مقداری آب بی‌منت به او بیخشد، باید قبول کند.

### **سوم از موارد تیمم**

- اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد یا بترسد که به واسطه استعمال آن، مرض یا عیبی در او پیدا شود

یا مرضش طول بکشد یا شدت کند یا به سختی معالجه شود، باید تیمم نماید. ولی اگر آب گرم برای او

ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

- لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر

مردم بجا باشد و از آن احتمال ترس برای او پیدا شود، باید تیمم کند.

- کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد، باید تیمم نماید.

- اگر به واسطه یقین یا ترس ضرر تیمم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمم او باطل

است. و اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.

- کسی که می‌داند آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او

ضرر داشته، وضو و غسل او صحیح است.

### **چهارم از موارد تیمم**

- هرگاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خود او یا عیال و اولاد او، یا رفیقش و

کسانی که با او مربوطند مانند نوکر و کلفت از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که

تحمل آن مشقت دارد، باید به جای وضو و غسل، تیمم نماید. و نیز اگر بترسد حیوانی که مانند اسب و

قاطر معمولاً برای خوردن سرش را نمی‌برند، از تشنگی تلف شود، باید آب را به آن بدهد و تیمم نماید،

اگر چه حیوان مال خودش نباشد. و همچنین است اگر کسی که حفظ جان او واجب است به طوری تشنه

باشد که اگر انسان آب را به او ندهد، تلف شود .

- اگر غیر از آب پاکی که برای وضو یا غسل دارد آب نجسی هم به مقدار آشامیدن خود و کسانی که با او مربوطند داشته باشد، باید آب پاک را برای آشامیدن بگذارد و با تیمم نماز بخواند. ولی چنانچه آب را برای حیوانش بخواهد، باید آب نجس را به آن بدهد و با آب پاک وضو و غسل را انجام دهد

### **پنجم از موارد تیمم**

- کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی ماند، باید بدن یا لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند. ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمم کند، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند .

### **ششم از موارد تیمم**

- اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد مثلاً آب یا ظرفش غصبی است و غیر از آن آب و ظرف دیگری ندارد، باید به جای وضو و غسل، تیمم کند.

### **هفتم از موارد تیمم**

- هرگاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند .

- اگر عمداً نماز را به قدری تاخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد معصیت کرده، ولی نماز او با تیمم صحیح است . اگر چه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند .

- کسی که شک دارد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند وقت برای نماز او می ماند یا نه، باید تیمم کند .

- کسی که به واسطه تنگی وقت تیمم کرده، چنانچه بعد از نماز آبی که داشته از دستش برود، اگر چه تیمم خود را نشکسته باشد، در صورتی که وظیفه‌اش تیمم باشد، باید دوباره تیمم نماید.

- کسی که آب دارد اگر به واسطه تنگی وقت با تیمم مشغول نماز شود و در بین نماز آبی که داشته از دستش برود، برای نمازهای بعد می‌تواند با همان تیمم نماز بخواند.

- اگر انسانی به قدری وقت دارد که می‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبی آن مثل اقامه و قنوت بخواند، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحبی آن به جا آورد.

بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.

## وقت نماز صبح

- نزدیک اذان صبح از طرف مشرق سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند، که آن را فجر اول گویند. موقعی که آن سفیده پهن شد، فجر دوم و اول وقت نماز صبح است. و آخر وقت نماز صبح، موقعی است که آفتاب بیرون می‌آید.

## وقت نماز ظهر و عصر

- اگر چوب یا چیزی مانند آن را راست در زمین هموار فرو برند، صبح که خورشید بیرون می‌آید، سایه آن به طرف مغرب می‌افتد. و هر چه آفتاب بالا می‌آید، این سایه کم می‌شود. و در شهرهای ما در اول ظهر شرعی به آخرین درجه کمی می‌رسد، و ظهر که گذشت، سایه آن به طرف مشرق برمی‌گردد. و هر چه خورشید رو به مغرب می‌رود، سایه زیادتر می‌شود. بنابر این وقتی سایه به آخرین درجه کمی رسید و دو مرتبه رو به زیاد شدن گذاشت، معلوم می‌شود ظهر شرعی شده است. ولی در بعضی شهرها مثل مکه که گاهی موقع ظهر سایه به کلی از بین می‌رود، بعد از آنکه سایه دوباره پیدا شد، معلوم می‌شود ظهر شده است.

- چوب یا چیز دیگری را که برای معین کردن ظهر به زمین فرو می‌برند، شاخص گویند.

- نماز ظهر و عصر هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند: وقت مخصوص نماز ظهر از اول ظهر است

تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد. و وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به

اندازه خواندن نماز عصر وقت به مغرب مانده باشد، که اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخواند، نماز

ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند. و ما بین وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز

عصر وقت مشترک نماز ظهر و نماز عصر است. و اگر کسی اشتباها نماز ظهر یا عصر را در وقت

مخصوص دیگری بخواند، نمازش صحیح است.

- اگر پیش از خواندن نماز ظهر سهوا مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است،

چنانچه در وقت مشترک باشد، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند. یعنی نیت کند که آنچه تا حال خوانده‌ام

و آنچه را مشغولم و آنچه بعد می‌خوانم، همه نماز ظهر باشد. و بعد از آنکه نماز را تمام کرد، نماز عصر را

بخواند. و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشد، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند و بعد

نماز عصر را بخواند و احتیاط آن است که دوباره نماز عصر را هم بعد از آن بخواند، و این احتیاط خیلی

خوب است.

- در روز جمعه انسان می‌تواند به جای نماز ظهر، دو رکعت نماز جمعه بخواند. ولی احتیاط مستحب آن

است که اگر نماز جمعه خواند، نماز ظهر را هم بخواند، و این احتیاط خیلی مطلوب است.

- احتیاط واجب آن است که نماز جمعه را از موقعی که عرفا اول ظهر می‌گویند، تاخیر نیندازد. و اگر از

اوایل ظهر تاخیر افتاد، به جای نماز جمعه نماز ظهر بخواند.

**شیوه اقتدا به امام جماعت:**

اگر امام جماعت در رکعت اول نماز باشد و ما کمی دیرتر برسیم، باید به شیوه ی زیر عمل کنیم:

۱- اگر امام جماعت مشغول خواندن حمد و سوره است، ما نیت می کنیم، تکبیره الاحرام را می گوئیم و همراه دیگران نمازگزاران، نماز را به جماعت ادامه می دهیم.

۲- اگر امام جماعت در حال رکوع است، نیت می کنیم، تکبیره الاحرام را می گوئیم و به رکوع می رویم. در صورتی که امام جماعت هنوز در حال رکوع باشد، باز هم نمازمان به جماعت صحیح است؛ ذکر رکوع را می گوئیم ولی اگر امام جماعت، ذکر رکوع را خوانده باشد، ذکر رکوع را می گوئیم و نماز را با او ادامه می دهیم.

## برخی از واجبات در نماز:

### نیت

- انسان باید نماز را به نیت قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذرانند یا مثلاً به زبان بگویند که چهار رکعت نماز ظهر می خوانم قربه الی الله.
- اگر در نماز ظهر یا در نماز عصر نیت کند که چهار رکعت نماز می خوانم و معین نکند ظهر است یا عصر، نماز او باطل است. و نیز کسی که مثلاً قضای نماز ظهر بر او واجب است، اگر در وقت نماز ظهر بخواهد آن نماز قضا یا نماز ظهر را بخواند، باید نمازی را که می خواند در نیت معین کند.
- انسان باید از اول تا آخر نماز به نیت خود باقی باشد. پس اگر در بین نماز به طوری غافل شود که اگر پرسند چه می کنی نداند چه بگوید، نمازش باطل است.

- انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم نماز بخواند. پس کسی که ریا کند یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است، خواه فقط برای مردم باشد، یا خدا و مردم هر دو را در نظر بگیرد.

- اگر قسمتی از نماز را هم برای غیر خدا بجا آورد نماز باطل است، چه آن قسمت واجب باشد مثل حمد و سوره، چه مستحب باشد مانند قنوت. بلکه اگر تمام نماز را برای خدا بجا آورد ولی برای نشان دادن به مردم در جای مخصوصی مثل مسجد، یا در وقت مخصوصی مثل اول وقت، یا به طرز مخصوصی مثلاً با جماعت بخواند، نمازش باطل است.

### تکبیره الاحرام

- گفتن "الله اکبر" در اول هر نماز، واجب و رکن است و باید حروف "الله" و حروف "اکبر" و دو کلمه "الله" و "اکبر" را پشت سر هم بگوید. و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شود، و اگر به عربی غلط بگوید یا مثلاً ترجمه آن را به فارسی بگوید صحیح نیست.

- احتیاط واجب آن است که تکبیره الاحرام نماز را به چیزی که پیش از آن می خواند مثلاً به اقامه یا به دعایی که پیش از تکبیر می خواند، نچسباند.

- اگر انسان بخواهد "الله اکبر" را به چیزی که بعد از آن می خواند مثلاً به "بسم الله الرحمن الرحيم" بچسباند، باید «ر» اکبر راضمه بدهد.

- موقع گفتن تکبیره الاحرام باید بدن آرام باشد، و اگر عمداً در حالی که بدنش حرکت دارد تکبیره الاحرام را بگوید، باطل است. و چنانچه سهواً حرکت کند، بنابر احتیاط واجب باید اول عملی که نماز را باطل می کند انجام دهد و دوباره تکبیر بگوید.

- تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را باید طوری بخواند که خودش بشنود. و اگر به واسطه سنگینی یا کری گوش یا سر و صدای زیاد نمی شنود، باید طوری بگوید که اگر مانعی نباشد بشنود.



- کسی که لال است یا زبان او مرضی دارد که نمی‌تواند "الله اکبر" را درست بگوید، باید به هر طور که می‌تواند بگوید. و اگر هیچ نمی‌تواند بگوید، باید در قلب خود بگذارند و برای تکبیر اشاره کند، و زبانش را هم اگر می‌تواند حرکت دهد.

- مستحب است بعد از تکبیره الاحرام بگوید: "یا محسن قد اتاک المسیء و قد امرت المحسن ان یتجاوز عن المسیء انت المحسن و انا المسیء بحق محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و تجاوز عن قبیح ما تعلم منی"، یعنی ای خدایی که به بندگان احسان می‌کنی، بنده گنهکار به در خانه تو آمده و تو امر کرده‌ای که نیکوکار از گنهکار بگذرد، تو نیکوکاری و من گناهکار، به حق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم رحمت خود را بر محمد و آل محمد بفرست و از بدیهایی که می‌دانی از من سر زده بگذر.

- مستحب است موقع گفتن تکبیر اول نماز و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد.

- اگر شک کند که تکبیره الاحرام را گفته یا نه، چنانچه مشغول خواندن چیزی شده به شک خود اعتنا نکند. و اگر چیزی نخوانده، باید تکبیر را بگوید.

- اگر بعد از گفتن تکبیره الاحرام شک کند که آن را صحیح گفته یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند.

### قیام (ایستادن)

- قیام در موقع گفتن تکبیره الاحرام و قیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می‌گویند رکن است. ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع، رکن نیست و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند، نمازش صحیح است.

- واجب است پیش از گفتن تکبیر و بعد از آن مقداری بایستد تا یقین کند که در حال ایستادن تکبیر گفته است.

## برخی از اصطلاحات فقهی مورد نیاز

**فتوا:** در جایی است که مجتهد به رأی و نظر قطعی رسیده و آن را بیان نموده است. زمانی که مجتهد فتوا می دهد و یا «واجب» را بیان می کند، بر مقلد لازم است به آن عمل کند و نمی تواند به مجتهد دیگر عدول کند.

**اظهر:** به معنای ظاهرتر، روشن تر و فتواست و مقلد بایستی طبق آن عمل نماید.

**ظاهر این است:** یعنی فتوا این است ( مگر آنکه قرینه ای برای مقصود دیگر باشد ).

**اقرب این است:** یعنی فتوا این است ( مگر آنکه قرینه ای بر عدم فتوا باشد ).

**اقوی این است:** نظر قوی بر این است. یعنی فتوای صریح است و بایستی طبق آن عمل شود.

**خالی از قوت نیست:** فتوا این است.

تذکر: اگر بگویید «ظاهر چنین است» یا «اقوی چنین است»، این تعبیرها فتوا محسوب می شود و مقلد باید به آن عمل کند.

**احتیاط:** روشی که رعایت آن در احکام شرعی موجب اطمینان انسان برای رسیدن به واقعیت است.

**احتیاط واجب یا احتیاط لازم:** آن است که قرائن بر صدور حکم، زیاد است، ولی با این حال در حد قطع و اطمینان برای فقیه نیست. لذا مجتهد در این مورد نظر قطعی نمی دهد و احتیاط واجب می کند. اگر مرجع تقلید در مسأله ای فتوا نداشت و احتیاط واجب کرده بود، مقلد نمی تواند آن را ترک کند؛ بلکه مخیر است بین عمل به آن و بین رجوع به مجتهد دیگر که در خصوص آن مسأله فتوا داشته باشد، یعنی می تواند به احتیاط واجب عمل کند و یا به نظریه مجتهد دیگر که بعد از مرجع تقلیدش، اعلم از دیگران است عمل کند و چنانچه در آن مسأله، مرجع دوم نیز قائل به احتیاط واجب باشد، مقلد می تواند به نظریه مرجع سومی که بعد از مرجع دوم اعلم از دیگران است، مراجعه نماید....

اگر مکلف به احتیاط واجب مجتهد خود عمل نکند و در آن مسئله به فتوای مرجع اعلم بعدی هم رجوع نکند، عملش باطل است. به بیان دیگر، احتیاط واجب بمعنی واجب بودن یک چیز است با این فرق که در این مسأله مجتهد فتوا نداده است و می توان به مجتهد دیگر که درباره این مسئله فتوا داده است، مراجعه نمود.

**احتیاط مستحب:** احتیاطی غیر از فتوای فقیه است و بدین جهت رعایت آن الزامی نیست، ولی دارای ثواب است.

**احوط:** به معنی مطابق با احتیاط می باشد. اگر این عبارت بعد از فتوا ذکر شود به معنی احتیاط مستحبی و اگر بعد از فتوا نباشد به معنای احتیاط واجب است.

در مقام عمل تفاوتی بین اصطلاح **جایز نیست** و **حرام است**، وجود ندارد.

«محل تامل» یا «محل اشکال» است: مقلد می تواند عمل به احتیاط کند یا به دیگری مراجعه نماید .

محل اشکال است، یعنی بنابر احتیاط واجب.

**تفاوت واجب عینی و واجب کفایی چیست؟** واجب عینی واجبی است که هر مکلفی شخصاً باید آن را انجام دهد و با اقدام دیگران، از او ساقط نمی شود؛ مانند روزهی ماه مبارک رمضان ولی واجب کفایی واجبی است که هر مکلفی باید آن را انجام دهد؛ ولی اگر تعداد کافی آن را انجام دهند، از او ساقط می شود؛ مانند جهاد در راه خدا، که وقتی عده ای در حد کفایت، اقدام کنند، از دیگران ساقط می شود.

والسلام

تهیه و تنظیم: اداره قرآن، عترت و نماز استان یزد